من اهل الله او ینقل الیک عنه انه قال الولایة اعلی من النبوة فلیس یرید
ذلک لان ولایة النبی اعلی من نبوته او یقول ان الولی فوق النبی والرسول فانه
یعنی بذلک فی شخص واحد وهو ان رسول من حیث انه ولی اتم منه من حیث انه نبی او
رسول لا ان الولی التابع له اعلی منه واگر کسی مجموع جهتین ولایت ونبوت را نبوت
نام نهد شک نیست که بان معنی نبوت افضل خواهد بود واز ولایت نزاع راجع باصلاح
وانچه در کلام خواجه محمد بن علی حکیم ترمذی قدس سره واقع شده است وشیخ سعد الدین
نیز بران رفته که نهایة الانبیاء بدایة الاولیاء ان خواسته اند که نهایة الانبیاء
فی الشریعة بدایة الاولیاء زیرا که چون شرایع انبیا در اخر کار ایشان بکمال میرسد
چنانکه بنی ما را صلی الله علیه وسلم در اخر کار گفتند که الیوم اکملت لکم دینکم
وولی تا شریعت را بکمال نگیرد قدم در ولایت نتوان نهاد پس انچه نبی را در شرایع
باخر کار باشد ولی را در ابتدا کار باشد که اگر کسی بان احکام که در مکه نازل شد
سلوک کند وبانچه در مدینه نازل شد اتفاق ننماید هرگز بولایت نرسد بلکه اگر
انکار کند کافر گردد پس بدایت ولایت ولی انست که ان شرایع را که نهایت
کار نبی است قبول کند ومتابعت نماید رکن اول در شواهد ودلایل که پیش از
ولادت ظاهر شده است وازانجمله انست که عرباض بن ساریه رضی
الله عنه روایت کند که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که نزد خدای تعالی نام
من خاتم النبیین نوشته شده بود وادم هنوز جسد خاکی بی روح بود وشما را
از مبدا حال خود خبر دهم دعاء ابرهیم علیه السلام بوده که ربنا وابعث فیهم
رسولا منهم یتلو علیهم آیاتک ودیگر بشارت از عیسی علیه السلام که

یا بنی

٨

یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقا لما بین یدی من التوریة ومبشرا
برسول یاتی من بعدی اسمه احمد ودیگر انکه امینه مادر من دید که نوری ازوی
ساطع شد که قصرهای شام بنمود وازانجمله انست که در جزو ثانی از سفر خامس
توریت سبعین که هفتاد کس از احبار یهود بر صحت ان اتفاق نموده اند
ایتی است که ترجمه ان بعربی بدین عبارت است که انی مقیم لهم نبیا
من بنی اخوتهم مثلک واجری قولی فی فیه ویقول لهم ما امره والرجل الذی
لا یقبل قول النبی الذی یتکلم باسمی فانی انتقم منه خدای تعالی با موسی علیه السلام
خطاب میکند که هر اینه من بپا کنم یعنی بر انگیزانم قول خود را در روی وبر زبان وی
وی بگوید انچه ویرا بان فرمایم وهرکه قبول نکند قول ان پیغمبر را که بنام من گویا
باشد هر اینه از وی انتقام کشم وهرچه استدلال باین ایت انست
که وجوب ایمان را به پیغمبری تخصیص فرموده که موصوف باشد بدو صفت که
ان هر دو مخصوص است به پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم یکی ان که ان پیغمبر از
از بنی اسرائیل که فرزندان یعقوب علیه السلام اند نباشد زیرا که ضمیر
اخوتهم عائد به بنی اسرائیل است پس حمل ان بر بنی اعمام باید کرد و
از بنی اعمام ایشان بغیر از پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم که از فرزندان اسمعیل
است برادر اسحاق که پدر یعقوب علیهم السلام از هیچکس ایات وعلامات
نبوت ظاهر نشده است ودیگر انکه فرموده است که ان پیغمبر می باید که
مثل موسی علیه السلام صاحب عزم صاحب شریعت شوکت باشد
وبعد از موسی علیه السلام پیغمبر صاحب شریعت وشوکت جز پیغمبر ما صلی الله

از برای بنی اسرائیل پیغمبری از پیران
وبرادران ایشان که پیغمبر مثل تو باشند
ور دوان گردانم

Copyright © King Saud University